

به کلیسا می‌رفته همان انجیل است که از آنجا برداشته و همیشه موقع نبرد آن را در جیب خود قرار می‌دهد و آن را محافظش می‌داند. خدا حامی اوست و او هم باید حامی وطن و خانواده باشد. قهرمان‌سازی این اثر از کریس کایل در اینجاست او به هر قیمتی باید نجات دهد و محافظ باشد (همچون سگ گله) و لو این شامل کشتن غیرنظامی‌ها هم بشود، و چه بسا که او از این کشتن‌ها ناراحت بشود اما هرگز افسوس نمی‌خورد چون جوهره او در محافظت کردن است.

یکی از نقاط مثبت فیلم این است که سعی کرده بین مشکلات، ناراحتی‌ها و تروماهای ناشی از جنگ و دوری از خانواده، بازگشت به خانواده و احساس متفاوت نسبت به آن یک تعادل برسد و این اتفاق کمی بُعد به شخصیت تقریباً یکجانبه کریس می‌دهد (هرچند که همسرش مترسکی از یک شخصیت است و همان تیپیکال معمولی همسر سرباز است). اما این نقطه مثبت هم در نهایت بسیار خطرناک می‌شود چرا که در خدمت همان ایدئولوژی قرار می‌گیرد که در راه نجات اینها و محافظت‌شان دست به هرکاری می‌زند. کایل در این فیلم قاتل و جانی نیست، احساس دارد و پس از کشتارهایش اصلاً خوشحال نیست. اما یک سرباز بله‌قربان‌گوی روبات‌وار هم نیست، البته که او مطیع اوامر است اما وقتی حس کند که می‌تواند با سرپیچی کردن از دستورات جان افراد بیشتری را نجات دهد بی‌تردید این کار را انجام می‌دهد. کایل هرگز افسوس تعداد آدم‌هایی را که کشته نمی‌خورد چون باور دارد که دارد نجات می‌دهد و هرگز هم فلسفه و چرایی این جنگ را زیر سؤال نمی‌برد و می‌توان گفت که چنین تفکری خطرناک است.

تک‌تیرانداز امریکایی از دیدگاه هنری اثر چندان برجسته‌ای نیست اما از منظر پروپاگاندا قطعاً چنین است. اثبات اینکه چگونه سربازان امریکایی در ده‌ها هزار کیلومتر دورتر از امریکا در عراق در حال نجات امریکا هستند بسیار سخت است و ناباورانه. یکی از ابزارهای هالیوود برای خلق قهرمان خلق ناجی است اما چگونه مخاطب می‌تواند باور کند که این سربازان در عراق واقعاً در حال نجات دادن چیزی هستند؟ اصلاً آنها چه چیزی را نجات می‌دهند؟ اما این فیلم با یک شگرد جالب یک ناجی قهرمان خلق می‌کند: کایل به عنوان تک‌تیرانداز محافظ و ناجی سربازانی است که همه‌شان را به عنوان ناجی بشناسند، پس کایل برخلاف آنها واقعاً دارد چیزی را نجات می‌دهد. و از قضا این ناجی خودش مجسمه‌ای از همان شعار «خدا، وطن، خانواده» در فیلم ترسیم می‌شود. و چه کنایه‌آمیز که مرگ او هم به دست یکی از سربازان امریکایی این جنگ پرشکوه رقم می‌خورد آن هم در تگزاس امریکا و نه به دست عراقی‌ها یا افغان‌ها!

پی‌نوشت:

1- American Sniper

ششمین سرباز

۷۹ • شماره چهارم • تیرمرداد ۱۴۰۲